

ضرورت صدور احکام فقهی و وضع قوانین پیرامون شبیه سازی انسان

مهران خوش سلوک

دکتری حقوق، مدرس دانشگاه، وکیل پایه یک دادگستری

dr.khoshsolook@gmail.com

چکیده

شبیه سازی انسان، موضوعی که نه تنها علم پزشکی را با چالش روبرو کرده است، بلکه فقه را نیز با مشکلاتی عدیده‌ای مواجه نموده و فقها را درگیر مسائل فقهی و احکام آن کرده است. با توجه به آنکه خداوند متعال هیچ موضوعی را بدون حکم نگذاشته است، معتقدیم که شارع حکیم، در این خصوص نیز حکم صادر نموده لیکن این حکم تاکنون برای مکلفین تشریع نشده و از طریق «حکم واقعی اولی»، دسترسی به آن ممکن نیست. بدین دلیل فقهای مذاهب مختلف اهل تسنن و شیعه در عصر کنونی با استفتائات مختلفی در بحث شبیه سازی انسان مواجه شده که اعتقاد فقهای اهل سنت، «حرمت» شبیه سازی انسان بوده، ولی فقهای شیعه در موضوع مورد بحث، با توجه به مفاسد و مصالح آن دارای نظرات مختلفی هستند که برخی معتقد به «اباحه» و برخی دیگر بر «حرمت» آن اعتقاد دارند؛ نکته قابل تأمل آنکه علم پزشکی در جهان هیچگاه منتظر احکام فقهی نمانده و با وصف آنکه در میان دولت‌ها نیز موافقان و مخالفان شبیه سازی انسانی وجود دارد، اما بسیاری از دانشمندان صرفنظر از حمایت و یا عدم حمایت دولت‌ها، ادیان و مذاهب، به این کشف بزرگ دست یافته و قادر به شبیه سازی انسان از بافت‌ها و سلول‌های وی شده‌اند. این پیشرفت غیرقابل انکار را نمی‌توان نادیده گرفت و الزاماً باید به احکام فقهی انسان شبیه سازی شده در احوال شخصیه و سایر ابهامات فقهی و قانونی دست یافت؛ در غیر این صورت در آینده‌ای نزدیک با انسان‌های بی‌هویتی روبرو خواهیم شد که نه فقه احوال شخصیه آنان را مشخص کرده است و نه قوانین موضوعه.

واژگان کلیدی: شبیه سازی انسان، احکام فقهی، شبیه سازی درمانی، حرمت، اباحه.

۱- مقدمه

علیم، لطیف و حکیم بودن از جمله خصوصیات بارز شارع مقدس است و بدین لحاظ معتقدیم که برای هر موضوعی، حکمی از سوی خداوند متعال وضع شده و محال است موضوعی در عالم هستی یافت شود که شارع برای آن حکمی تعیین نکرده باشد. برخی از احکام از طریق کتاب و یا سنت، بر مکلفین ابلاغ شده و مکلف نسبت به آن علم یافته است و برخی دیگر از احکام برای مکلفین روشن نبوده و بشر فاقد علم به آنها می‌باشد؛ این موضوع نه از آن جهت است که حکمی وجود ندارد، بلکه به دلیل آن است که مکلف از حکم شارع، بی‌اطلاع بوده و یا حتی از درک یا فهم بعضی از احکام عاجز است و به عبارت دیگر نمی‌تواند بر تمامی احکام واقعی علم و یقین داشته باشد. با وصف این مراتب، هر موضوعی دارای «حکم واقعی» بوده که شارع مقدس آن را تشریع نموده است؛ لیکن اگر مکلف نسبت به حکم واقعی علم و یقین نداشته و جاهل به آن باشد، جهل به حکم و عمل نکردن به تکلیف به واسطه این جهل، از علل موجهه نبوده بلکه مکلف را مجاب می‌نماید که به حکم مربوطه دست یابد، حال ممکن است از روی علم و قطع به حکم برسد و یا بوسیله‌ای غیر از یقین و قطع به حکم دست یابد. لذا چنانچه مکلف به وسیله ای - غیر از علم و یقین - به حکم برسد، این حکم نیز یک حکم شرعی بوده که به آن «حکم ظاهری» یا «حکم واقعی ثانوی» می‌گویند.

«شبیه سازی انسان» از جمله موضوعات جدیدی است که بشر با آن مواجه شده است؛ بر اساس «قاعده حکمت» و «قاعده لطف شارع»، باید بپذیریم که شبیه سازی انسان در نزد خداوند باری تعالی دارای حکم واقعی می‌باشد، لیکن در شرایط کنونی این حکم برای مکلفین مستور بوده و شاید دست یازیدن به حکم واقعی آن از طریق علم، قطع و یقین، امکانپذیر نباشد ولی به این دلیل نمی‌توان حکم این موضوع بسیار مهم را که جوامع کنونی به آن دچار شده اند، مسکوت گذاشت و لاجرم باید از طریق «حکم ظاهری یا حکم واقعی ثانوی» به حکم شبیه سازی انسان دست یافت، چرا که با شبیه سازی انسان، از یک سو شبیه حکمیه نسبت به عمل شبیه سازی وجود خواهد داشت و از سوی دیگر، انسان شبیه سازی شده نیز به نوبه خود دارای احکام خاصی در امور شخصیه می‌باشد که نمی‌توان از آن غافل شد.

۱-۱- پیشینه پژوهش:

شبیه سازی موجودات از سال ۱۹۰۱ میلادی آغاز شد و اولین بار اسپمن، جنین شناس آلمانی موفق به عمل انتقال هسته بر روی تخم سمندر شد. (آقایان و ارجمند، ۱۴۰۲) روند شبیه سازی موجودات زنده و النهایه همانند سازی انسان در سال ۱۹۶۶ با حمایت جاشوا لدربرگ، برنده جایزه نوبل ژنتیک، قوت گرفت و پیشرفت‌های چشمگیری نیز در این خصوص حاصل شد. دانشمندان ایرانی پژوهشگاه رویان در سال ۱۳۸۵ موفق به ایجاد اولین موجود جاندار (گوسفند شبیه سازی شده) شدند و پس از آن نمونه‌های دیگری را نیز ایجاد کردند که محرز شد به فن‌آوری همانند سازی پستانداران دست یافته‌اند. در این میان آنتینوری در سال ۲۰۰۲ و ۲۰۱۹ مدعی شبیه سازی چندین جنین گردید و حتی در سال ۲۰۱۹ مدعی شد که دو کودک پسر و یک دختر را شبیه سازی کرده است و آن‌ها هم‌اکنون در سن نه‌سالگی هستند و در یکی از کشورهای اروپای شرقی زندگی می‌کنند. (آقایان و ارجمند، ۱۴۰۲)

برخی از اساتید، محققان و پژوهشگران نیز در خصوص شبیه سازی انسان کتب و مقالاتی را منتشر کرده‌اند که از جمله آنان می‌توان به کتاب شبیه‌سازی انسان: ملاحظات علمی، اخلاقی، حقوقی و فقهی (محمدی، ۱۳۸۹)؛ کتاب شبیه سازی انسان از منظر فقه و حقوق (هاشم پور و احسان پور)؛ کتاب شبیه سازی انسانی از دیدگاه آیین کاتولیک و اسلام (اسلامی اردکانی، ۱۴۰۱)؛ کتاب شبیه سازی انسان از منظر فقه و حقوق بین الملل (کثیری، ۱۳۹۶)؛ کتاب بررسی فقهی مسأله شبیه سازی انسان (نوری، ۱۴۰۱) و کتاب شبیه‌سازی از منظر اخلاق، ادیان، فقه و حقوق (قربانی، عباسی، خوش سلوک، مهاجرپور، ۱۳۹۴) اشاره کرد که مبحث فقهی و حقوقی آن توسط نگارنده تدوین گردیده است. این پژوهش به موضوعات فقهی و حقوقی همانند سازی انسان پرداخته است.

۲-۱- روش تحقیق:

در این مقاله پژوهشی که با روش توصیفی- تحلیلی به موضوع نگریسته است؛ ضمن بیان مراتب در شبیه سازی انسان، در چگونگی احکام و موضوعات مختلف آن از قبیل محاسن و معایب ورود نموده و با تحلیل موضوعات، احکامی در هر مساله بیان می شود.

۲- کلیات و تعاریف:

برای هر موضوعی، از سوی شارع متعال، حکمی تعیین شده است. در حقیقت با دو واژه و لفظ مهم برخورد می نماییم که عبارتند از: «۱- موضوع و ۲- حکم». با این فرض برخی اوقات شک و شبهه بر این دو واژه مهم وارد شده و ورود شبهات بر این دو را با مفاهیم و عبارات «شبهات موضوعیه» و «شبهات حکمیه» بیان می نماییم

شبهات موضوعیه و حکمیه

چنانچه شک و شبهه بر موضوعی وارد شود در حالیکه علم به حکم آن داریم، شبهه موضوعیه حادث می گردد. به طور مثال اگر بطری یا لیوان پر از نوشیدنی را مشاهده نمایید چنانچه نمی دانید محتوای آن آب است یا شراب، در اینجا شبهه موضوعیه ایجاد شده است و این در حالی است که می دانید چنانچه مایع مذکور شراب (نوشیدنی الکلی مسکر) باشد حکم آن حد شرعی به میزان ۸۰ ضربه تازیانه خواهد بود. در این بحث، منشأ شک، جهل و تردید در امور جزئی خارجی بوده با وصف این که حکم کلی شارع بر شما معلوم است.

حال اگر حکم کلی موضوعی مردد و مورد تردید باشد، شبهه حکمیه ایجاد می گردد. شبهات حکمیه ممکن است بواسطه عدم اقامه دلیل و یا مجمل گویی شارع حادث شده باشد و یا وجود دو دلیل متعارض، مکلف را دچار شبهه نماید.

در موضوع شبیه سازی انسان، حکم مربوطه مورد تردید است بدین معنا که بطور یقین در وجوب آن حکمی صادر نشده زیرا از موضوعاتی نبوده که بدلیل نیاز انسان در زمان تشریع احکام، شارع به آن پرداخته باشد. از سوی دیگر نصی هم در خصوص حرمت آن وجود نداشته و بدلیل فقدان نص در خصوص حرمت آن انجام عمل شبیه سازی در مجرای اصل براءت قرار می گیرد. با بیانی ساده تر، چنانچه عمل شبیه سازی انسان دارای حکم واقعی حرمت باشد بدلیل آنکه این حکم بر مکلفین ابلاغ نگردیده است و مکلفین آگاهی به آن حکم ندارند در صورتی که مرتکب آن گردند، دچار مجازات و عذاب نخواهند شد زیرا، قاعده فقهی «قبح عقاب بلا بیان» در خصوص شبهات حکمیه مداخلت داشته و مجازات نمودن مکلف در جایی که علم به حرمت عمل نداشته و حکم حرمت بر وی ابلاغ نشده باشد را عملی قبیح و ناپسند می داند.

حال از نقطه مقابل به شبیه سازی انسان بنگریم و با دیدگاه قائلین «اصل احتیاط» موضوع را بررسی نماییم.

به عقیده قائلین به «اصل احتیاط» از آنجایی که حکم بر وجوب و یا جواز عمل شبیه سازی انسان وارد نشده، در اجرای آن بهتر است جانب احتیاط در نظر گرفته شود و با استناد به اصل یاد شده «ترک عمل و رعایت احتیاط» واجب است. اما این نظر، خالی از عیب نیست. در عصر کنونی و با پیشرفت روزافزون علم، به خصوص علوم پزشکی، لازم است تا فقه نیز پویایی خود را به منصف ظهور رسانده و احکام شرعی فرعی برای موضوعات جدید که مکلفین مبتلا به آن می گردند صادر نماید و چنانچه فقه، پویایی نداشته باشد و نسبت به موضوعات شبهات حکمیه جدید، سکوت نموده و یا با مخالفت نمودن با آن، بین فقه و پیشرفت علم اصطکاک ایجاد نماید:

اول آنکه) علم فقه هیچگاه نخواهند توانست با پیشرفت علوم، خود را هماهنگ سازد.

دوم آنکه) توقف فقه در این گونه موضوعات، موجب توقف سایر علوم و نیز توقف پیشرفت‌های علمی و پزشکی نخواهد شد. به عبارتی دیگر سایر علوم از پا نخواهند نشست و به پیشرفت خود ادامه می‌دهند.

سوم آنکه) بین علوم روز و علم فقه شکاف و جدایی ایجاد شده و مکلفین در دستیابی به احکام شرعی حیران خواهند ماند.

چهارم آنکه) از محاسن ژنتیکی و نیز محاسن شبیه سازی انسان نیز نباید غافل شد.

با اوصاف یاد شده معقول به نظر نمی‌رسد که علم فقه، پویایی خود را از دست داده و با ممنوعیت شبیه سازی انسان - که نصی در خصوص حرمت آن وجود ندارد- حکم بر ترک آن صادر نماید، زیرا با وصف صدور حکم، باز هم مجامع علمی و پزشکی جهان از آن غافل نشده و صدور حکم حرمت یا ترک آن بنا بر اصل احتیاط، نتیجه‌ای به جز عقب ماندگی علمی برای ما به ارمغان نخواهد داشت.

مطالب فوق مجرای جدید فقهی در این بحث بر ما خواهد گشود که همانا توجه خاص به «اصل اباحه» می‌باشد. مستند به این اصل، چنانچه حرمت و منع شرعی در انجام عملی وجود نداشته باشد عمل به آن فعل، طبق این اصل، جایز و مباح خواهد بود. لذا همانند سازی و شبیه سازی با استناد به «اصل اباحه» جایز و مباح بوده در نتیجه لازم است احکام مرتبط با آن از قبیل «احکام مربوط به نسب، ابوت و بنوت، نفقه، ارث و...» از طریق اجتهاد بر مکلفین عرضه شده تا آنان نیز از سردرگمی در خصوص این احکام خارج گردند.

4

۳- فقه و شبیه سازی انسان

از آنجایی که شبیه سازی انسان با دو هدف ذیل صورت می‌پذیرد، هریک از این هدف‌ها دارای احکام فقهی جداگانه و حتی متفاوت با یکدیگر خواهند بود.

هدف اول: ایجاد اندام های مختلف بدن انسان (شبیه سازی درمانی):

در این شیوه از شبیه سازی، هر سلول به طور بالقوه، توان تبدیل به همه سلول‌های اعضا را دارد، پس می‌توان در آزمایشگاه، رشد را متوقف کرد و فقط به یک سلول خاص مثلاً قلب، عصب یا کلیه و ... اجازه رشد داد. سلول‌های بنیادی که توان تبدیل شدن به اعضای مختلف را دارند، در آزمایشگاه، برای تولید یک عضو خاص استفاده می‌شوند. در شبیه سازی درمانی اختلاف نظر وجود ندارد و حتی به دلیل کارایی پزشکی و فواید مهم آن در درمان بیماری‌های مزمن از آن استقبال نیز شده است.

در این شیوه از شبیه سازی، بحث مرگ انسان شبیه سازی شده نیز مطرح نبوده در نتیجه به دلیل مصالحی که برای جامعه بشری دارد مورد استقبال واقع گردیده تا بروز بیماری‌های عضوی و ژنتیکی در اعضای افراد منتفی گردد. از آنجایی که مفسده‌ای در این گونه از شبیه سازی مشاهده نشده است، لذا اصل اباحه بر این شیوه از شبیه سازی جاری و ساری بوده و جواز انجام این شیوه بطور مطلق صادر گردیده و میان فقها اختلاف نظری در خصوص جواز مطلق آن وجود ندارد. این جواز در شبیه سازی گیاهان و نباتات نیز وجود داشته و هیچگونه حکم حرمت یا منعی در این خصوص صادر گردیده است.

هدف دوم: ایجاد انسان کامل:

در احکام اولیه، مصلحت و مفسده هر عمل توسط شارع بیان شده و بر اساس آن حکم مربوطه صادر گردیده است. به عنوان مثال در آیه شریفه «أَحْلَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» (بقره، ۲۷۵) شارع مقدس به دلیل مصلحت‌هایی که بیع و خرید و فروش در بازار مسلمانان داشته و موجب شکوفایی اقتصاد اسلامی و کسب روزی توسط خریداران و فروشندگان می‌شود، آن را حلال و جایز شمرده و در

ادامه همان آیه شریفه، با توجه به مفسده‌هایی که در رباخواری وجود داشته و آثار سوء و ناخوشایندی را که در اقتصاد جامعه و اقتصاد خانواده‌ها از خود بر جای می‌گذارد، حکم حرمت آن را در آیه شریفه «و حَرَّمَ الْرِّبَا» تشریح نموده است.

در احکام ثانویه و احکام شرعی فرعی نیز مجتهد ضمن بررسی مصلحت‌ها و مفسده‌ها، از طریق اجتهاد، حکم جواز یا منع صادر نموده تا تکلیف مکلفین معین شود. در این روش از شبیه سازی (ایجاد انسان کامل) نیز لازم است تعیین گردد که کفه ترازو در سمت مصلحت بیشتر است یا در سوی مفسده؟ شاهین ترازو، سنگینی هر سو را که نشان دهد مجتهد نیز به همان موضوع حکم خواهد نمود.

۴- محاسن شبیه سازی (همانند سازی) انسان:

ذکر محاسن همانند سازی، بحثی پزشکی بوده که در سایر بخش‌های این اثر به موضوع آن پرداخته شده است؛ ولیکن آنچه در ذیل ذکر می‌گردد به نظر نگارنده می‌تواند دلیل و ادله کافی برای صدور جواز شرعی همانند سازی بوده تا با کشف و بهره‌گیری از قدرتی که خداوند لایزال در اختیار انسان قرار داده است بتوان در اصلاح و نجات نسل بشر و سایر مخلوقات تلاش نمود.

از جمله محاسن همانند سازی (شبیه سازی) می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

*از بین بردن مشکلات مربوط به ناباروری و نازایی زوجین:

برای بسیاری از زوجین که بطور مشروع و قانونی، علقه زوجیت بین آنان ایجاد شده است، تولید مثل و به دنیا آوردن فرزند از مهم‌ترین و شاید اساسی‌ترین اهداف بوده و ثمره زندگی مشترک خود را در فرزندان تولد یافته می‌جویند و در نقطه مقابل، زوجینی که به دلیل ناباروری هر یک از زن یا شوهر توفیقی در تولد فرزند نمی‌یابند، گویی با خطر انقراض نسل مواجه شده و دنیا را پایان یافته فرض می‌کنند و به همین دلیل با عدم رغبت و میل باطنی اقدام به فروپاشی کانون خانواده نموده و با تقدیم دادخواست طلاق به زندگی مشترک خود پایان می‌دهند. بند ۱۳ ماده ۸ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۱۵ نیز به جواز این موضوع اشاره نموده است.

با این شرایط که وضعیت عسر و حرج ایجاد می‌نماید؛ زن یا شوهر می‌تواند از دادگاه تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش نماید و این بدان معناست که ناباروری هر یک از زوجین یکی از علل شایع فروپاشی کانون خانواده به شمار می‌رود. تبصره ذیل ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی نیز ناظر به عسر و حرج زوجه بوده و ذیل همان تبصره، شرایط عسر و حرج زوجه در این خصوص به تشخیص دادگاه را مجاز دانسته است.

همچنین بند ۸ ماده ۱۶ از همان قانون، «در صورت عقیم بودن زن، مرد را مجاز دانسته که با حکم دادگاه و بدون رضایت همسر اول، همسر دوم انتخاب کند» این بند نیز به صلاح و مصلحت کانون خانواده نبوده و نیست و با فرض شبیه سازی انسان و از بین بردن مشکلات مربوط به ناباروری چه بسیار خانواده‌هایی که از خطر فروپاشی کانون خانواده در امان خواهد ماند.

*جلوگیری از تولد کودکان بیمار:

یکی دیگر از مشکلاتی که جوامع کنونی با آن دست به گریبان است، تولد کودکان بیمار جسمی و یا دارای اختلالات ژنتیکی می‌باشد. با توجه به ممنوعیت سقط جنین در اسلام و کشورهای اسلامی و همچنین وجود قانون ممنوعیت سقط جنین در بسیاری از کشورهای غیراسلامی، از تولد این‌گونه از نوزادان، قانوناً نمی‌توان ممانعت به عمل آورد، به خصوص زمانی که روح در کالبد جنین دمیده شده باشد که در آن صورت سقط قانونی جنین هم بسیار دشوار و در اکثریت قریب به اتفاق

موارد غیرممکن بوده و حتی در فقه جزایی از سقط نطفه تا سقط جنینی که روح در آن پیدا شده است دیات مختلفی تشریح گردیده که انواع دیات را در ماده ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ ملاحظه می‌نمایید.

صرفنظر از سقط جنین‌هایی که به واسطه زنا و نزدیکی نامشروع انجام می‌گیرد، درصد بالایی از سقط جنین‌ها به دلیل اختلالات جسمی و فیزیکی نوزادان می‌باشد که با انجام شبیه سازی و جلوگیری و احتراز از این دسته از اختلالات و بیماری‌ها، بخشی از قانون جزایی هم بلااستفاده خواهد شد و جواز همانند سازی می‌تواند به نوعی عامل پیشگیری از وقوع جرم سقط جنین گردد، زیرا در این جرم از مادر جنین گرفته تا پزشک و ماما و ادویه دارو فروش در مظان اتهام مباشرت، تسبیب، معاونت و مشارکت در جرم بوده و برای هر یک مجازات خاصی در نظر گرفته شده است. بدین منظور موادی از قانون مجازات اسلامی را که بر گرفته از فقه جزایی شریعت مبین اسلام می‌باشد را ذکر می‌نماییم:

ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲: «هرگاه زنی جنین خود را، در هر مرحله‌ای که باشد، به عمد، شبه عمد یا خطا از بین ببرد، دیه جنین، حسب مورد توسط مرتکب یا عاقله او پرداخت می‌شود».

ماده ۶۲۲ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب سال ۱۳۷۵: «هر کس عالماً عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد» طبق تبصره ماده ۱۰۴ مصوب ۱۳۹۹ مجازات به نصف تقلیل یافته است. «شش ماه تا هجده ماه».

6

ماده ۶۲۳ همان قانون: «هرکس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زن گردد به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود و اگر عالماً و عامداً زن حامله ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر می‌باشد و در هر مورد حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات داده خواهد شد».

ماده ۶۲۴ همان قانون: «اگر طبیب یا ماما یا دارو فروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا دارو فروشی اقدام می‌کنند وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به سقط جنین نمایند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت». مکرراً بیان می‌گردد چنانچه بتوان از طریق شبیه سازی، برخی جرایم را عقیم نمود و یا تعداد مجرمین را در جامعه کاهش داد، توفیق بزرگی حاصل شده و چه مصلحتی از این امر بالاتر است؟

*باز آفرینی نوابغ و افراد خاص:

این مهم که هر جامعه و به خصوص جوامع اسلامی نیاز به انسان‌های نابغه و افراد خاص داشته و دارد بر کسی پوشیده نیست. این نیاز صرف جوامع اسلامی نبوده و هر جامعه ای نیاز به آن را احساس می‌نماید. حال اگر بتوان از طریق همانند و شبیه سازی، خلقت این افراد را سهل نمود. نه تنها دخالت در آفرینش الهی نیست، بلکه به نوعی بهره‌گیری از قدرتی الهی است که انسان‌ها گذارده شده است، مگر نه این که خداوند باریتعالی، انسان را اشرف مخلوقات معرفی نموده است؟

خداوند متعال از باب لطف الهی، قدرت خود را در ذات و وجود انسان دمیده و این وظیفه انسان است که بتواند این قدرت‌های نهفته را از بالقوه بودن به فعلیت مبدل سازد در نهایت به تمامی قدرت‌هایی که انسان موفق به کشف و بهره‌گیری از آن شده توجه نماید؛ آدمی، این اشرف مخلوقات الهی، فقط مجرای کشف و بروز قدرت‌های الهی را فراهم می‌سازد و در لحظه

نهایی هر امری، این قدرت لایزال الهی است که نتیجه‌گیری در امور را ممکن می‌سازد و بدون حکمت و قدرت او، حتی برگ‌ریزی از شاخه درختی جدا نشده و به زمین نخواهد رسید.

این که انسان بتواند موجودی همانند خود را از راهی غیر از طریق تناسل و زناشویی ایجاد نماید نیز کشف دیگری از قدرت الهی است. در همانند سازی، انسان خالق نیست، بلکه فراهم کننده شرایط قابلیت یک ماده برای حیات و زندگی است. لذا فراهم آوردن شرایط حیات انسان‌های نابغه و خاص، نه تنها مفسده‌ای برای جوامع ندارد؛ بلکه به نوعی مصلحت خواهی برای جوامع نیز محسوب می‌گردد.

* تنظیم جنس کودکان و انسانها در آینده:

قدرت دیگری از الطاف الهی که توسط انسان کشف شده و مورد بهره برداری قرار می‌گیرد، ایجاد شرایط خاص جهت تولد فرزند با جنسیت دلخواه والدین می باشد. این قدرت سال‌هاست که توسط انسان کشف شده که با رعایت رژیم خاص تغذیه ای و... بتواند جنسیت فرزند خود را تعیین نماید. تأکید این نکته خالی از لطف نیست که باز هم در نهایت، قدرت و مشیت الهی است که تلاش زوجین در تعیین جنسیت فرزند را به ثمر خواهند نشاند. به یاد داشته باشیم که شارع مقدس در آیات شریفه ۶۳ و ۶۴ سوره مبارکه واقعه می‌فرمایند: «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَأَنْتُمْ تُزْرِعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ: آیا ندید تخمی را که در زمین کاشتید، آیا شما(از خاک) آن تخم را رویانیدید یا ما رویانیدیم؟» در هر شرایطی و در هر عصری و تحت هر کشف و پیشرفت علمی، باز هم علت تامه، اراده خداوند است و بی اراده آن ذات واجب الوجود، هیچ پیشرفتی به نتیجه نخواهد رسید.

* تأمین عضو پیوندی و رفع معضلات مربوط به اعضای پیوندی؛ تکثیر سلولهای جدید و جایگزین کردن آنها با سلولهای آسیب دیده و تولید سلولهای بنیادین:

در بسیاری از بیماری‌های صعب‌العلاج و لاعلاج، به دلیل عدم وجود درمان و یا عدم کشف راه‌های درمانی، چه بسیار انسان‌هایی که جان خود را از دست داده و در سنین مختلف از دنیا رفته و به دیار باقی شتافتند. افراد بی‌شماری نیز بدلیل سوانح مختلف تصادفات رانندگی و سایر علل و بیماری‌ها نیاز به اندام‌های مختلفی از قبیل: «قلب، کلیه، کبد و...» داشته‌اند که به دلیل عدم تأمین اعضای مذکور جهت پیوند، از حیات ساقط و یا حتی دچار معلولیت‌های دائمی شده‌اند.

با بهره‌گیری از همانند سازی به راحتی می‌توان از این گونه از معضلات و مرگ‌ها خلاصی یافت و عامل مرگ این گونه از انسان‌ها را تغییر داد. زنده و احیاء نمودن انسان‌ها دخالت در مشیت الهی نیست، بلکه اجرای فرمان خداوند خواهد بود، زیرا حضرت باری تعالی فرموده اند: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده، ۳۲) در نص مذکور، خداوند رحمان به صراحت فرموده‌اند که اگر انسانی زنده گردد، همانند آن است که همه مردم جهان زنده شده‌اند و این فرموده می‌تواند با بحث پزشکی کلونینگ (شبیه سازی)^۱ جامعه عمل پوشیده و مصلحت در این بخش، اکبر و اعظم از مفسده‌های متصور بحث شبیه سازی گردد و به نظر نمی‌رسد بتوان مفسده‌ای یافت که این آیه شریفه را رد و بی اثر نماید، چه آنکه تنها آیات قرآن قدرت نسخ و یا بی اثر سازی آیات الهی را داشته و فتاوی مجتهدین توان نسخ آیات قرآن را ندارد. اما نکته‌ای در بحث شبیه سازی انسان جهت پیوند اعضا یا سایر علل مطروحه از دیدگاه فقهی نیاز به تفحص و بررسی دارد آن است که: «اگر با همانند سازی، انسانی متولد گردد و سپس اعضای آن جهت پیوند از وی جدا شود و انسان شبیه سازی شده بمیرد، چه حکمی خواهد داشت؟»

^۱ cloning

مبحث شبیه سازی (کلونینگ) خود به این سؤال پاسخ داده است؛ همانگونه که پیش تر هم بیان شد، یکی از شیوه های کلونینگ، «شبیه سازی درمانی» است، بدان معنا که در آزمایشگاه رشد عمومی سلول ها را متوقف و فقط به یک یا چند سلول خاص می توان اجازه رشد داد و بی آنکه انسان کاملی تولد یابد، اعضای چون قلب، ریه، کلیه، و... تولید خواهند شد و فقه های شیعه در خصوص این نوع از شبیه سازی نه تنها مخالفتی نداشته و ندارند، بلکه جواز مطلق را برای آن نظر گرفته اند ولیکن اگر «شبیه سازی درمانی» اجرا نگردد و سپس از اعضای بدن وی استفاده شده و موجبات مرگ وی فراهم شود، بی شک از مصادیق قتل عمد محسوب شده و مصداق آیه شریفه «من قتل نفسا بغير نفس...» بوده و بر اساس شرع مبین اسلام، برای این قتل، قصاص نفس در نظر گرفته شده و قانون مجازات اسلامی کشورمان نیز در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، تعدی بودن جنایت را احراز نموده و مستند به مواد ۳۰۱ و ۳۰۴ همان قانون، قصاص را ثابت دانسته و توجهاً به ماده ۳۸۱ قانون یاد شده، مجازات قتل عمدی را با وجود شرایط مقرر در قانون، «قصاص نفس» تعیین نموده است. ایجاد انسان کامل در بحث کلونینگ و سپس استفاده از اعضای بدن او و جداسازی آنها بطور عمدی از اندام وی، بطور یقین موجبات قصاص را فراهم آورده و شکی نیست که چنانچه به این بحث ورود نماییم، حکم فقهی آن «حرمت مطلق» بوده و بواسطه نص و تصریح قرآن کریم، قابل تغییر نخواهد بود. ذکر این نکته نیز ضروری است که فقه جزایی نه تنها برای مباشر این قتل مجازات تعیین نموده، بلکه معاون در قتل نیز مجرم محسوب شده و مجازات می گردد، حتی اگر شاکی خصوصی هم در قتل وجود نداشته باشد یا از قصاص گذشت نماید، در صورتی که اقدام جانی موجب اخلال در نظم جامعه یا خوف شود، قانونگذار مستند به ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات و مجازات های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ و تبصره ذیل آن، از باب جنبه عمومی جرم، برای مرتکب قتل عمدی و معاون جرم قتل عمد، مجازات حبس تعیین نموده است.^۲

۵- معایب شبیه سازی از دیدگاه فقها:

ایراداتی که در بحث شبیه سازی انسان وارد شده است، بعضاً قابل پذیرش و در زمره معقولات قرار دارد ولی این بدان معنا نیست که نتوان ایرادات مذکور را پاسخ گفت و یا برای آن راه حل و چاره ای اندیشید. برخی از این ایرادات بطورماهوی، بحث شبیه سازی انسان را مورد هدف و هجمه قرار داده و برخی دیگر از این ایرادات، مشکلات فقهی و حقوقی فرض شده در شبیه سازی را مد نظر قرار داده است که سعی می شود در حد حوصله به آن پرداخته شود.

* علمای اهل تسنن و سایر ادیان:

آنچه از نظرات و فتاوی علما و مفتی های اهل تسنن به دست آمده، مخالفت صریح ایشان با شبیه سازی انسان بوده و حکم فقهی آن را نیز «حرمت مطلق» در نظر گرفته اند. برخی از این علما، شبیه سازی را در زمره جرم «فساد فی الارض» قرار داده و آن را بزرگ ترین فساد در زمین عنوان نموده اند از جمله این علما می توان به «ابن عثمین، عضو هیأت علمای مسعودی» اشاره کرد. ایشان بیان می دارند: «کمترین مجازات مبتکران بدل سازی با کلون کردن، بریدن دستان و پاهای آنان می باشد (مجازات مفسد فی الارض)؛ زیرا این کار بزرگ ترین فساد در زمین است.» (المسلمون، ۱۴۱۷ق)

مجمع اسلامی الازهر که بالاترین مرجع دینی اهل تسنن به شمار می رود شبیه سازی انسان را حرام اعلام کرده و یادآور شده است که به هر وسیله ای شده، باید جلوی آن را گرفت و در آخر نتیجه می گیرد که عملیات شبیه سازی انسان از لحاظ شرعی مثل این است که کسی شراب بسازد و یا قانون علمی برای یک نتیجه مفسده استفاده کند. (رواق اندیشه، ۳۷) یوسف القرضاوی، مفتی مصر و مقیم قطر، به شدت شبیه سازی را محکوم و آن را مغایر با اختلاف و تنوع در خلقت همچنین قانون

^۲ مجازات مرتکب قتل عمد از باب جنبه عمومی جرم، سه تا ده سال حبس و مجازات معاون جرم، یک تا پنج سال حبس تعیین شده است.

ازدواج دانسته است. (قرضاوی و سعیدیانی، ۱۳۸۲) اتحادیه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی با صدور بیانیه‌ای مخالفت صریح خود را با پروژه شبیه سازی اعلام کردند. «مجمع بررسی‌های اسلامی» کسانی را که تکنولوژی شبیه سازی را بر روی انسان انجام می‌دهند، محارب دانست. (خرمی، ۵۱)

مخالفین شبیه سازی را فقط در علمای اهل تسنن جستجو نکنید، برخی از علمای مسیحی نیز شبیه سازی را دخالت انسان در کار خدا دانسته و با آن به مقابله و مخالفت پرداخته اند. (منبع پیشین) دامنه این مخالفت به واتیکان نیز سرایت نموده و تولید اولین نوزاد شبیه سازی شده را بیانگر نوعی باور وحشیانه دانست که فاقد اصول خلاق و انسانی بوده و شبیه سازی را نتیجه یک ذهنیت کلیسای کاتولیک روم و زندگی را هدیه‌ای خدادادی؛ نه یک تولید صنعتی دانسته و شبیه سازی را مداخله در کار خدا تلقی می‌کند.

در میان کشورهای اروپایی آلمان و فرانسه بیشترین تلاش را در خصوص ممانعت از کلونینگ اتخاذ کرده و حتی دولت آلمان اعلام نموده است که آزمایش کلونینگ جنین انسان در آلمان، جرم علیه دولت و در نتیجه بر علیه جامعه محسوب شده و برای عاملین و انجام دهندگان آن تا پنج سال محکومیت زندان را در پی خواهد داشت.

کشورهای دیگر در جهان نیز مخالفت خود را در زمینه کلونینگ بیان نموده اند که از جمله آنها می‌توان به: «ژاپن، چین، سنگاپور، هند، آرژانتین، برزیل و انگلستان» اشاره کرد. در نوامبر سال ۲۰۰۱ میلادی، ۲۴ کشور شبیه سازی کودکان را ممنوع اعلام نموده و در اوت سال ۲۰۰۲ میلادی نیز آلمان و فرانسه از دبیر کل وقت سازمان ملل، کوفی عنان، دعوت نمودند که پیش‌نویس ممنوعیت شبیه سازی انسانی را برای اجرا به کلیه کشورهای عضو سازمان ملل ابلاغ نماید. (منبع پیشین)

*علمای فقهای شیعه:

فقهای شیعه موضع مختلفی پیرامون کلونینگ و شبیه سازی انسان اتخاذ نموده‌اند که اگر بی تعصب و با دید واقع گرایانه به موضوع نظر افکنیم، پویایی فقه تشیع را به وضوح مشاهده خواهیم کرد. در حقیقت فقه شیعه نه تنها همگام و هم سو با پیشرفت سایر علوم در جریان است؛ بلکه مکلفین خود را دچار حیرانی و سرگردانی در حکم شرعی نمی‌نماید.

علمای شیعه شبیه سازی گیاهان و حیوانات را بالاتفاق جایز دانسته اما در خصوص شبیه سازی انسان نظرات مختلفی داشته و دارند که می‌توان نظرات ایشان را در بندهای ذیل عنوان نمود:

گروه اول از علمای شیعه حکم شبیه سازی انسان را، حرمت مطلق دانسته و شاید با استنادات علمای اهل تسنن در این خصوص هم عقیده بوده و دلایل خود را با دلایل آنان یکی می‌دانند.

گروه دوم از علمای شیعه حکم اولیه شبیه سازی انسان را اباحه دانسته و بر این نظرند که شبیه سازی انسان فی حدنفسه و به عنوان اولیه خود اشکالی ندارد و با استناد به «اصالة اباحه» جایز است؛ لیکن انجام آن به مفاسدی اجتناب ناپذیر خواهد انجامید. از این رو، برای پیشگیری از این مفاسد، شبیه سازی انسانی به عنوان ثانوی حرام به شمار می‌رود.

مراجع عظام آقایان: «سید کاظم حائری، سید صادق شیرازی و ناصر مکارم شیرازی» از حامیان این نظریه می‌باشند.

عالم گرانقدر، جواد تبریزی، در استفتای شماره ۱۰۹۲ به تاریخ ۲۷ صفر ۱۴۱۹ هجری قمری، بیان داشته‌اند: «اگر شبیه سازی به اختلال در نظام اجتماعی مانند عدم تشخیص ستمگر از ستمدیده و محرم از نامحرم و وارث از غیروارث و غیر آن

بینجامد، شبیه سازی حرام می‌گردد و این است معنای در معرض تهدید قرار گرفتن حقوق انسان یا زیان دیدن مصالح فرد و جامعه. اما شبیه سازی به شکلی نادر که به مفاسدی از این قبیل بینجامد، حرام نیست و توجیهی برای منع آن وجود ندارد».

حتی مرجع عظام، یوسف صانعی که از قائلین به حرمت شبیه سازی محسوب می‌شدند، در فتوای دیگری با تأکید بر مشکلات این کار و مخالفت با آن شبیه سازی را در موارد نادر و ضرورت‌های شدید که نافع برای بشریت باشد، مجاز شمرده است.

سومین گروه از مراجع و علمای تشیع قائل به جواز محدود شبیه سازی انسانی می‌باشند.

گروه چهارم از مراجع و علمای شیعه که تعداد ایشان کم هم نیست، قائل به جواز مطلق شبیه سازی انسانی شده‌اند، به عقیده این گروه از علما، نه تنها منع و حرمتی در خصوص شبیه سازی وجود ندارد؛ بلکه، شبیه سازی انسانی دارای منافع بسیاری نیز می‌باشد.

گروهی از مراجع محترم عظام در پاسخ به این استفتاء که «آیا شبیه سازی و تکثیر انسان در آزمایشگاه و از طریق روش‌های پیشرفته علمی (کلوناز) جایز است؟» به شرح ذیل مرقوم داشته‌اند:

- * سید علی سیستانی: «فی حد ذاته مانعی ندارد.»
 - * موسوی اردبیلی: «اگر چه شبیه سازی در مورد انسان تاکنون به مرحله عمل نرسیده است، ولیکن دلیل قوی و محکی بر حرمت چنین تحقیقات و آزمایشاتی وجود ندارد.» (مجموعه آرای فقهی - قضایی، ۱۳۸۱)
 - * فاضل لنکرانی: «فی نفسه مانعی ندارد، مگر اینکه محرز شود توالی فساد دارد.»
 - * سید محمد صادق روحانی: «تبعاتی از قبیل احتمال ابتلاء کلون‌ها به بیماری‌های جسمی و روانی، به هم خوردن نظام طبیعی خانواده و حذف شدن پدر، جایگاه نامشخص نوزاد کلون شده در خانواده و کاهش تنوع ژنتیکی انسان‌ها در دراز مدت را موجب حرمت نمی‌داند» (اسلامی، ۱۴۰۱)
 - * سید محمد سعید حکیم بر این نظر است که: «شبیه سازی انسانی مباح است و دلیلی بر حرمت آن نیست در صورتی که با عمل حرام دیگری همراه نشود مجاز و مباح است.» (اسلامی، ۱۴۰۱)
- در پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (بخش احکام مرتبط با شبیه سازی) نیز در خصوص شبیه سازی استفتاء گردیده که پرسش و پاسخ مندرج در پایگاه یاد آمده است:

«احکام مرتبط با شبیه سازی»

پرسش: با توجه به پیشرفت علم پزشکی و ژنتیک و موفقیت انسان در تولید غیرجنسی گوسفند، موش و مانند آن و قابلیت اجرای این عمل در تولید غیرجنسی انسان و ترمیم اعضا، لطفاً بفرمایید: الف) آیا انجام چنین عملی (تولید انسان کامل از طریق شبیه سازی) شرعاً صحیح است؟ ب) آیا ساخت اعضا و پیوند آن به انسان، شرعاً صحیح است؟ ج) با فرض اجرای چنین عملی در خارج از ممالک اسلامی و پیدایش چنین موجودی، آیا این موجود می‌تواند به دین اسلام مشرف شود؟ د) آیا می‌توان با چنین موجودی معاشرت و معامله کرد؟ ه) ازدواج با چنین موجودی چه حکمی دارد؟ و) آیا می‌توان از چنین انسانی ارث برد؟ ز) آیا او می‌تواند ازدواج کند؟

پاسخ الف): این کار ممکن است ذاتاً اشکالی نداشته باشد ولی با توجه به عوارض نامطلوب فراوان اجتماعی و اخلاقی که بر آن مترتب می‌شود، شرعاً مجاز نیست بعلاوه، اگر مستلزم نظر و لمس حرام به هنگام کشت سلول مشابه در رحم انسان گردد، از

این نظر اشکال دیگری متوجه آن می‌شود. ب): اشکالی ندارد، مشروط بر اینکه مستلزم کار حرام خاصی نبوده باشد. ج): تشرف چنین انسانی به دین اسلام بی‌مانع است. د): اشکالی ندارد انسانی است همانند سایر انسان‌ها. ه): ازدواج و نکاح او با هرکس جز محارم، یعنی کسی که سلول از او گرفته شده، یا در رحم او پیوند زده شده، بی‌مانع است. و): چنین موجودی از کسی ارث نمی‌برد همانند فرزندان رضاعی که محرم هستند و ارث نمی‌برند. ز): آری، از این نظر فرقی با سایر انسان‌ها ندارد.

۶- دلایل مخالفت علمای اهل تسنن و برخی از علمای شیعه با شبیه سازی انسانی:

آن گروه از علمای مسلمان که با شبیه سازی انسان مخالف بوده و با اشکال و انحاء مختلف با این موضوع به مخالفت پرداخته اند، دلایل ذیل را در جهت بیان نظرات خود بیان نموده‌اند که پس از ذکر این دلایل، پاسخ کلی به آن داده خواهد شد، این دلایل عبارتند از:

۱. نقض کرامت ذاتی انسان:

به عقیده این گروه از فقها، چنانچه تولد انسان از راه غیر طبیعی صورت پذیرد و پرورش جنین در رحم مادر صورت نرفته و یا نحوه تولید مثل و شکل باروری به شیوه cloning صورت پذیرد:

الف) تولد انسان دچار خدشه می‌شود.

ب) کرامت انسان در حفظ و دست ناخوردگی ترکیب ژنتیکی است که از بین می‌رود.

ج) انسان تبدیل به موش (موجودی) آزمایشگاهی می‌شود.

در پاسخ به ایرادات فقها لازم است به مطالب ذیل بیش از پیش توجه گردد:

(۱-۱) نحوه زایش و تولد انسان با بسیاری از حیوانات و مخلوقات خداوند باریتعالی یکسان است و نمی‌توان تفاوتی در زایش طبیعی انسان و بسیاری از حیوانات قائل شد. از سوی دیگر این وحدت در تولد نوزاد در بین انسان‌ها و حیوانات نیز خللی در اشرف مخلوقات بودن انسان ایجاد نمی‌کند چه آنکه اگر اینگونه بود، بطور یقین، خداوند متعال نحوه دیگری برای تولد انسان در نظر می‌گرفت. اگر به مباحث مطروحه در علم منطق بنگریم در تعریف انسان بیان شده است: «الانسان حیوان ناطق»؛ لذا چه کرامتی در نحوه زایش انسان وجود دارد که سایر حیوانات فاقد آن هستند؟ با تأکید بر این مهم که خود انسان در زمره حیوانات قرار دارد که ناطق بودن وی، وجه تمایزی را بین انسان و سایر حیوانات ایجاد نموده است.

(۱-۲) اگر فرض کنیم تولد و زایش بر خلاف سنت معمول باعث نقض کرامت انسانی می‌شود؛ در پاسخ بیان عنوان نماییم که با این وصف، نحوه تولد حضرت عیسی (ع) که به امر خالق توانا صورت پذیرفته است بطور یقین مشکل ساز خواهد شد!

(۱-۳) برخی از زوجین بدلیل ناباروری و یا بیماری‌هایی که مانع بارداری آنان می‌شود از طریق لقاح بیرون (برون) رحمی (IVF) صاحب فرزند می‌شوند. این سؤال در این بحث مطرح است که آیا انسانهای متولد شده از طریق لقاح برون رحمی دارای کرامت انسانی نیستند؟

استحضار دارید که کافه فقها جواز لقاح برون رحمی را در قالب فتوا بیان داشته و آنرا ناقض کرامت انسانی ندانسته‌اند در غیر این صورت باید لقاح برون رحمی نیز خلاف شرع و حرام باشد؛ زیرا سنت تولیدمثل طبیعی نقض گردیده است.

ماده دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز عنوان می‌دارد: «هر کس می‌تواند بدون هیچ گونه تمایز مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت و وضع اجتماعی، ثروت، ولادت، یا هر موقعیت دیگر از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است بهره مند گردد.»

اگر علمای مخالف شبیه سازی، هر نوع دستکاری ژنتیکی را حرام دانسته و آنرا دخالت در کار پروردگار و یا ناقض کرامت انسانی می‌دانند؛ چرا دستکاری ژنتیکی درمانی را پذیرفته اند؟ و چرا این نوع تغییرات ژنتیکی را برای رنگ مو و چهره و... مجاز شمرده اند؟

از جمله این علما می‌توان به: «یوسف قرضاوی، وهبه الزحیلی و رأفت عثمان» اشاره نمود.

۲. ایجاد انسانهای درجه دوم:

علمای مخالف شبیه سازی انسان بر این اعتقادند که با شبیه سازی انسان‌های درجه دوم بسیاری به وجود خواهند آمد که پس از آگاهی از این موضوع دچار بیماری‌ها و ولطمت روحی می‌گردند. آنان معتقدند از این گروه از انسانهای درجه دوم، استفاده‌های ابزاری و جنسی بعمل خواهد آمد که در جای دیگری به آن می‌پردازیم.

در پاسخ به ایراد این گروه از علما باید ذکر شود، چه ملازمه منطقی بین تولد انسان از طریق شبیه سازی و تبدیل وی به انسان درجه دوم وجود دارد؟ آیا هر انسان متولد شده از این روش که هیچ تفاوتی با نمونه اصلی خود ندارد، درجه دوم خواهد بود؟ حتی اگر انسان شبیه سازی شده برای نجات جان نمونه اصلی خود متولد شده باشد و جان وی را از بیماری لاعلاج و یا صعب‌العلاج نجات دهد، به عنوان یک قهرمان مرکز توجه خواهد بود، نه یک انسان درجه دوم!

اساساً اثبات فرضیه انسان درجه دوم، امری غیرممکن بوده و شبیه سازی برای درمان بیماری لاعلاج به گونه‌ای که پیش‌تر هم ذکر شد نه تنها مفیده‌ای ندارد؛ بلکه دارای مصلحت نیز می‌باشد.

۳. استفاده ابزاری از انسان‌ها:

از دیگر ایراداتی که به بحث شبیه سازی انسان وارد شده است، استفاده از این انسانها می‌باشد.

موافقین و معتقدین این بحث عقیده دارند به طرق ذیل از انسان‌های شبیه سازی شده استفاده ابزاری به عمل می‌آید:

(الف) استفاده جنسی ناسالم از انسان‌ها (بردگی جنسی)

(ب) استفاده از آنان به عنوان بانک اعضا

(پ) استفاده از آنان در کارهای سنگین و پستی که دیگر افراد حاضر به انجام آن نیستند (بردگی کاری)

ایراد وارد شده توسط مخالفین در این بحث، معقول و منطقی به نظر می‌رسد ولی ذکر این مهم، خالی از لطف نیست که آیا شبیه سازی انسان‌ها چنانچه توسط دولت و قانون کشورمان مجاز شمرده شود، آیا نیازمند قانون و بیان محدودیت‌ها و تخلفات نیست؟ آیا پس از مجاز شدن این موضوع، افراد در آزمایشگاه‌های زیرزمینی می‌توانند به تولید و خلق انبوه این انسان‌ها دست یابند؟ در پاسخ لازم است ذکر شود چنانچه شبیه سازی انسانی مجاز شمرده گردد؛

اول آنکه) این گونه از شبیه سازی، صرفاً توسط افراد ذیصلاح انجام خواهد شد.

دوم آنکه) ممنوعیت خلق و تولید این گونه از انسان‌ها برای هر فردی در جامعه باید مدنظر قرار گرفته و تا درونی شدن این فرهنگ در جامعه، صرفاً در مواقع و مصادیق ضروری این عمل صورت پذیرد.

۴. ودیعه بودن جسم انسان:

علما و فقهای قائل به این بحث، در رد شبیه سازی انسان عنوان می‌دارند که انسان مالک جسم خود نیست و جسم انسان متعلق به خدا بوده و اخلاقاً حق تصرف در ملک دیگری را نداریم.

در پاسخ به این ایراد نیز عنوان می‌داریم که مالک اصلی همه چیز خداست و با بحث شبیه سازی انسان و بیان مصلحت و ضرورت آن قصد از بین بردن این مالکیت را نداشته و نداریم؛ چه آنکه هیچ مخلوقی قادر به سلب مالکیت از پروردگار قادر و متعال نخواهد بود. از سوی دیگر انسان قابل تملک برای ممنوع خود نیست و بحث برده‌داری و کنیزداری نیز منتفی است لذا آنچه از بحث شبیه سازی انسان مد نظر است نه سلب مالکیت انسان از خداوند متعال است و نه بحث ترویج عبد و کنیز و فرهنگ ضاله برده داری! هدف، مقصود و منظور حامیان شبیه سازی، ترویج مصالح این بحث علمی در جوامع جهانی و بهره جستن از این مصالح می‌باشد. لازم به ذکر است که انسان شبیه سازی شده باز هم مملوک خداست و همانند خلق طبیعی انسان‌ها از راه لقاح، وی نیز در زمره مخلوقات باری تعالی و تحت امر وی قرار دارد.

نکته دیگری که در صدد مردود انگاشتن آن می‌باشیم، عدم تصرف در جسم انسان است. عبارتی دیگر چون حق تصرف در جسم خود را نداریم، لذا اجازه عمل جراحی، پیوند کلیه، کبد و... را نیز نخواهیم داشت و چنانچه عضوی از اعضای بدن انسان دچار سانحه و حادثه ای شد، بدلیل عدم اجازه در تصرف باید عضو را به همان شکل معیوب رها نماییم. این بحث را چنانچه عقلی هم دنبال کنیم؛ نظر قائلین به آن مردود خواهد بود چه برسد به بحث فقهی! اگر تن و جسم انسان در نزد او ودیعه و امانت است، در نتیجه برای اعمال جراحی باید ابتدا از خداوند اذن بگیریم؛ آیا شما این کار را کرده‌اید؟ با فرض ودیعه بودن جسم، شخص مستودع یا امین، مجاز است که تصرفات متعارفی را درباره مال به ودیعه گذاشته شده انجام دهد، مانند این‌که اگر کلیه این جسم از کار افتاد، عمل پیوند کلیه را انجام داده و یا اگر نیاز به عمل جراحی بود، در جهت تصرفات متعارف در مال، آن را انجام دهد و این نوع تصرفات شرعاً و عرفاً قابل قبول بوده و در جوامع مرسوم است در بحث شبیه سازی درمانی یا شبیه سازی انسان نیز تصرفاتی که در مال و دَعی صورت می‌پذیرد، از نوع تصرفات متعارف است؛ زیرا موجود جدیدی بوجود نیامده که شباهت با مال و دَعی نداشته و خصوصیات متفاوت و متضادی با وی داشته باشد. لذا این‌گونه از تصرف نیز برای انسان مجاز است، اگر مخالفان شبیه سازی انسان، این عمل را مغایر با تصرفات مجاز در اموال به ودیعه گذاشته شده می‌دانند، حداقل از باب فقهی به اثبات آن بپردازند.

نکته دیگر از باب فقهی، اشاره به این مهم است که انسان در بحث اعمال جراحی و تصرفات متعارف در جسم خود، دارای اذن از خداوند است، چه این اذن شاهد حال فرض نمایید یا اذن فحوا؛ به هر حال چنانچه این اذن از انسان‌ها سلب شده بود، از طریق شارع مقدس، بر مخلوقات تشریع می‌گردید، همانگونه از انتحار و خودکشی انسان منع شده و خود کشی بعنوان گناه کبیره بزرگی تشریع شده است. حال با اثبات این اذن برای انسان وقت آن خواهد رسید که بیان نماییم: «اذن در شیء، اذن در لوازم آن شیء نیز می‌باشد»، لذا شبیه سازی انسان از جسم وی و یا لقاح برون رحمی از لوازم این ملک پروردگار (انسان) می‌باشد و مستند به قاعده مذکور هنگامی که اذن در شیء صادر شده به منزله اذن در لوازم آن خواهد بود.

۵. نابودی جنین‌های ناخواسته:

جمله دلایل ادله مخالفان شبیه سازی، بحث جنین‌های غیر قابل استفاده، تخمک‌های مازاد و یا سلول‌های مازاد بر شبیه سازی است. این گروه عقیده دارند که از بین بردن جنین‌ها یا تخمک‌های مازاد، نوعی جرم و جنایت محسوب می‌گردد.

از دو دیدگاه به این موضوع می‌پردازیم:

اول) جنایت مردان در خواب (احتلام):

مکانیزم تولید اسپرم در مردان بدین گونه است که پس از تولید اسپرم و ذخیره سازی آن در بدن مردان و پس از گذشتن مدتی از این ذخیره سازی، از آنجایی که تولید اسپرم های جدید در بدن متوقف نمی شود سیستم بدن مردان اسپرم های ناقص، معیوب و ضعیف را از بدن دفع نموده و مردان یا در خواب «جنب» (محتلم) می شوند و یا حتی از طریق ادرار، این اسپرم های معیوب دفع می گردد.

آیا این نابودی ناخواسته و دفع اسپرم های مازاد از بدن انسان، گناه، جرم و یا جنایت محسوب می شود؟

بدن انسان برای تولید مثل طبیعی، اسپرم های جدید و قوی را نگهداری و اسپرم های معیوب را نیز دفع می نماید.

(دوم) در لقاح برون رحمی:

برای لقاح برون رحمی نیز برای اطمینان از نتیجه کار، به جای یک تخمک، گاهی تا چهار تخمک بارور می شود و از میان آنها سه تا پنج تخمک در رحم کاشته شده و نگهداری می شوند تا نتیجه کار معلوم شود؛ اگر بارداری موفق بود و تخمک ها به حیات طبیعی خود در رحم ادامه دادند، آنگاه از میان این تخمک ها، تنها یکی انتخاب و بقیه نابود می گردند و اگر هم این تخمک ها در رحم قادر به ادامه حیات نبودند، در آن صورت از دیگر تخمک های بارور باقی مانده استفاده شده و عمل مذکور تکرار می گردد.

14 آیا نابود نمودن این تخمک های مازاد که حتی به نطفه جنینی هم تبدیل گردیده اند و یا حتی معیوب می باشند، گناه و جرم است؟

این دسته از علما، خود به ایراد وارد شده پاسخ داده و در استفتاء های مختلفی که از ایشان صورت گرفته و می گیرد و همچنین در ششمین سمینار فقهی پزشکی وابسته به سازمان اسلامی علوم پزشکی تصویب نموده اند که: «تخمک های بارور شده [اضافی] هنگامی که درون رحم کاشته نشده اند، هیچ نوع شخصیت انسانی ندارند و احترام به جنین مشروط به استقرار نطفه در رحم می باشد.» همچنین در توصیه نامه ششمین سمینار فقهی پزشکی، وابسته به سازمان اسلامی علوم پزشکی صراحتاً آمده است: «نخست باید کوشش شود که تخمک های اضافی بارور نشوند و به همان مقدار مورد نیاز بسنده شود». با این حال، اگر تخمک های اضافی بارور شد، به نظر اکثریت اعضای سمینار: «تخمک های بارور شده اضافی، پیش از غرس در رحم هیچ نوع حرمت و احترامی ندارند، از این رو، به هر وسیله ای می توان آنها را نابود ساخت.» (العوضی، ۶۴۷)

با این وصف سلول های اخذ شده از زن یا مرد جهت شبیه سازی انسان نیز در همین حکم وارد شده و از آنجایی که این سلول ها نیز از تبدیل به انسان، شخصیت انسانی ندارند؛ فلذا نابود نمودن سلول های مازاد به هر وسیله ای امکان پذیر بوده و حرمتی ندارد.

۶. ابهام در روابط خویشاوندی، نبود پدر و مادر در موارد خاص و ابهام در نفقه و ارث:

از دیگر ایرادات مطروحه در بحث شبیه سازی انسان آنست که برخی از علما عقیده دارند؛ چنانچه انسان شبیه سازی شده از زن حاصل گردد، زوج (مرد) پدر او نخواهد بود و چنانچه از مرد خلقت یابد، همسر (زوجه) مادر این فرد شبیه سازی شده نیست.

برای پاسخ به این ایراد، شکل های ذیل مورد بحث قرار می گیرد:

الف) زن مجرد است و انسان شبیه سازی شده از وی به وجود آمده است.

از مرجع گرانقدر امامیه، مرحوم آیت الله بهجت استفتاء گردید که چنانچه دختر باکره‌ای از طریق شبیه سازی خود را بارور سازد، «آیا فرزند به دنیا آمده نسخه بدل اوست یا همسانش یا دخترش؟» ایشان در پاسخ مرقوم نمودند: «مانعی ندارد و به ولد شبه است.»

مرحوم آیت الله موسوی اردبیلی نیز در پاسخ به این استفتاء مرقوم داشته‌اند: «به خاطر اینکه در رحم او رشد یافته و متولد شده دختر او حساب می‌شود.»

لذا در این که این انسان شبیه سازی شده، فرزند آن دختر محسوب می‌گردد شکی نیست. حال اگر این دختر، با داشتن فرزند، ازدواج نماید؛ بین فرزند وی و شوهرش، حرمت مصاهری ایجاد خواهد شد، پس بحث حرمت نیز صراحتاً مشخص است.

سید محمد صدر نیز بر این نظر است که اگر زنی جنینی را، نه از راه حرام در رحم خود بی‌برد، چه تخمک از او باشد و چه تخمک متعلق به دیگری باشد، مادر او به شمار خواهد رفت. (صدر، ۱۴۱۹ق) ایشان همچنین فتوا می‌دهد که اگر صاحب تخمک مجهول باشد، یعنی آن را از بانک ویژه این کار گرفته باشیم و در رحم زنی پرورش دهیم، صاحب رحم مادر او خواهد بود. (منبع پیشین)

(ب) انسان شبیه سازی شده از سلول های مرد مجرد خلقت یابد:

در این بحث نیز انسان متولد شده هر چند در آزمایشگاه رشد و تولد خواهد یافت ولی در قیاس با رحم اجاره ای، این مولود نیز فرزند مرد مجرد محسوب شده و پس از ازدواج وی، حرمت مصاهری بین فرزند و زوجه پدید می‌آید.

(پ) انسان شبیه سازی شده از سلول های زن یا مرد متأهل در زندگی مشترک تولید می‌گردد:

در این فرض زن و شوهر دارای زندگی مشترک بوده و اصطلاحاً در فراش یکدیگر قرار دارند. از نظر شرعی، برای تحقق ابوت، لازم نیست که احراز شود فرزند حتماً از «نطفه مرد» است. آنچه شرعاً موجب الحاق فرزند به پدر می‌شود، با استناد به حدیث نقل شده از پیامبر (ص) فراش است.

مطابق با این حدیث، «الولد للفراش» و با این سند، باید فرزند را به زوجین ملحق نماییم چون در هر صورت فرزند شبیه سازی شده در فراش زوجین متولد شده است، نتیجه این که زوج، پدر فرزند و زوجه، مادر فرزند مذکور خواهد بود و با الحاق چنین فرزندی به والدین خود، مستند به قاعده فراش، به طور طبیعی، وجود برادر، خواهر و همه خویشان مادری و پدری وی ثابت خواهد شد و نتیجه نهایی آن که با اثبات این موضوع، تکلیف نفقه و همچنین ارث بری او از والدین و بالعکس صراحتاً مشخص بوده و محل نزاع و ابهام نخواهد داشت.

نتیجه گیری

در فقه پویای شیعه، فقها و علما برای صدور حکم ظاهری (حکم واقعی ثانوی)، فارغ از هرگونه تعصبات خشک مذهبی، پس از ارزیابی مصالح و مفاسد مبادرت به صدور حکم می‌نمایند. موضوع شبیه سازی انسان نیز در زمره موضوعاتی قرار دارد که جوامع بشری به زودی و به طور جدی با آن دست به گریبان خواهند شد و تولد انسان‌های شبیه سازی شده، از جنبه فقهی و حقوقی معضلاتی را برای کشورهای اسلامی و از بُعد حقوقی برای تمامی کشورهای جهان بوجود می‌آورد.

هر چند که کلونینگ مفسده‌هایی از جمله: «برده داری جنسی، ترویج فساد و فحشا توسط باندهای روسپیگری، کنیزداری و برده داری نوین، تولد نیروهای انسانی برای جنگ و حتی دفاع در برابر حملات دشمنان و ایجاد سپر دفاعی انسانی» را ایجاد خواهد کرد و بشر تا سرحد امکان از این پیشرفت پزشکی در جهت انجام امور مجرمانه نیز استفاده خواهد کرد؛ لیکن از محاسن همانند سازی انسان نمی‌توان غافل شد. با بهره‌گیری صحیح و به جا از این دست‌آورد علمی، می‌توان بیماری‌های لاعلاج را درمان کرد، افرادی بدون بیماری و معلولیت ایجاد نمود، نازایی و ناباروری زوجین را درمان کرد، سلول‌های سالم و جدید ایجاد و با سلول‌های معیوب جایگزین ساخت و ده‌ها معضل بشری را مرتفع نمود که همیشه دغدغه ذهن انسان بود.

به نظر می‌رسد فقهای شیعه در قالب کلی نمی‌توانند حداقل در این دوره زمانی به حکم واحدی در خصوص «حرمت، جواز و یا اباحه همانند سازی انسان» دست یابند؛ هر چند که در مقایسه محاسن با معایب کلونینگ، می‌توان ادعا نمود که کفه ترازو به سمت محاسن شبیه سازی انسان سنگین‌تر بوده و به نظر می‌رسد حکم بر اباحه آن دارای وجه رجحان باشد، لیکن لازم است فقهای شیعه پیرامون احوال شخصیه انسان شبیه سازی شده بیشتر تأمل نمایند و احکام اموری چون نسب، انفاق و وراثت را در مورد ایشان احصاء و صادر نمایند. همچنین قانونگذار کشورمان نیز لازم است در اموری همچون نفقه و ارث انسان شبیه سازی شده و نسب وی، پیش بینی وضع قانون نماید و از سوی دیگر در امور کیفری نیز، مبادرت به پیش بینی وضع قوانینی نماید که شبیه سازی از مجاری غیرقانونی جرم انگاری شده و برای آن مجازات تعیین شود. همچنین در بخش قصاص، دیات و تعزیرات نیز وضع قانون موضوعه صورت پذیرد تا از ارتکاب هر جرمی علیه انسان شبیه سازی شده جلوگیری شود. با این وصف نمی‌توان منکر پیشرفت علم پزشکی در خصوص کلونینگ شد و از سوی دیگر نمی‌توان انتظار داشت که دانشمندان در جهان به دلیل عدم صدور جواز فقهی، از شبیه سازی انسان منصرف شوند؛ لذا صدور احکام فقهی و تدوین قوانین برای این موضوع ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- اسلامی اردکانی، سیدحسن، ۱۴۰۱، شبیه سازی انسانی از دیدگاه آیین کاتولیک و اسلام، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- صدر، سید محمد، ۱۴۱۹ قمری، فقه الموضوعات الحدیثه، بیروت، دار الاضواء.
- قربانی، علی اصغر قربانی؛ عباسی، محمود؛ خوش سلوک، مهران؛ مهاجرپور، سید امیرمحمد، ۱۳۹۴، شبیه‌سازی از منظر اخلاق، ادیان، فقه و حقوق، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات پزشکی قانونی.
- کثیری، مژگان، ۱۳۹۶، شبیه سازی انسان از منظر فقه و حقوق بین الملل، تهران، شاپرک سرخ، چاپ دوم.
- مجموعه آرای فقهی - قضایی در امور حقوقی، ۱۳۸۱، تهران، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، مرکز تحقیقات فقهی.
- محمدی، علی، ۱۳۹۸، شبیه سازی انسان؛ ملاحظات علمی، اخلاقی، حقوقی، چاپ دوم، مرکز ملی مهندسی ژنتیک، انتشارات معارف.
- محمدی، علی، ۱۴۰۱، شبیه‌سازی انسان: ملاحظات علمی، اخلاقی، حقوقی و فقهی، دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام رهبری در دانشگاه)، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- نوری، رسول، ۱۴۰۱، بررسی فقهی مسأله شبیه سازی انسان، تهران، میراث شرق.
- هاشم پور، مدیحه؛ احسان پور، سید رضا، شبیه سازی انسان از منظر فقه و حقوق، تهران، پژوهاک عدالت.
- قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۱۵
- قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱
- قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲
- قانون مجازات و تعزیرات بازدارنده مصوب سال ۱۳۷۵

قانون مدنی

قرآن کریم، سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۲۷۵.

قرآن کریم، سوره مبارکه مائده، آیه شریفه ۳۲.

قرآن کریم، سوره مبارکه واقعه، آیات شریفه ۶۳ و ۶۴

اسلامی، سید حسن، شبیه سازی انسانی از دیدگاه شیعه؛ بررسی چهار دیدگاه، ماهنامه فقه، سال دوازدهم، شماره ۴۴.

پور قهرمانی، بابک، فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۳۷.

خرمی، جواد، شبیه سازی انسان، پیامدها و عکس العمل‌ها، مجله مبلغان، شماره ۵۱.

صادقی، محمود، بررسی فقهی و حقوقی همانند سازی انسان، خلاصه مقالات اولین کنگره پزشکی قانونی کشورهای اسلامی.

قرضاوی، یوسف، شبیه سازی، ترجمه: سعیدیانی، نورالدین، مجله دین پژوهان، ۱۳۸۲.

بیم‌ها و امیدها، آموزش معارف اسلامی، شماره ۴۹.

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی، احکام مرتبط با شبیه سازی.

هفته نامه المسلمون، شماره ۶۳۳، پنجم ذی القعدة ۱۴۱۷ هجری قمری.